

تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم:

آزمون تجربی نظریه‌های اثربخشی جمعی و پنجره‌های شکسته

اکبر علیوردی‌نیا، استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، ایران*

حیدر جانعلیزاده، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، ایران

مهدی پنج‌تنی، کارشناس ارشد پژوهشگری، دانشگاه مازندران، ایران

چکیده

تحقیق حاضر درصدد تبیین ترس از جرم در مناطق حاشیه‌نشین با تکیه بر نظریه‌های پنجره‌های شکسته و اثربخشی جمعی است. فرضیات پژوهش با روش پیمایش آزمون شده‌اند. جامعه آماری را کلیه افراد بالای ۱۵ سال ساکن در شهرک حجت شهر مشهد تشکیل می‌دهند که از بین آنان ۳۹۴ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. اطلاعات با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده است و میزان آلفای متغیر وابسته ۰/۸۴ بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد بین متغیرهای بی‌نظمی اجتماعی تصویری، بی‌نظمی فیزیکی تصویری با متغیر وابسته (ترس از جرم) رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق محله‌ای و کنترل اجتماعی غیر رسمی با متغیر وابسته، رابطه معکوس و معناداری برقرار است. همچنین نتایج رگرسیونی بیانگر آن است که متغیر اعتماد اجتماعی، قوی‌ترین تبیین‌کننده ترس از جرم است و متغیرهای مستقل این پژوهش توانسته‌اند ۰/۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

کلیدواژه‌ها: امنیت، ترس از جرم، حاشیه‌نشینی، نظریه اثربخشی جمعی، نظریه پنجره‌های شکسته

مقدمه

با گسترش روزافزون شهرنشینی و توسعه کلان‌شهرها به‌ویژه در دهه‌های اخیر، پدیده‌هایی چون صنعتی شدن، تراکم جمعیت، فشار ترافیک، از میان رفتن حس همسایگی، کاهش روابط خویشاوندی، کاهش عواطف اجتماعی، مهاجرت و حاشیه‌نشینی افزایش یافته است و همان‌طور که زوکین اشاره می‌کند: «فضاهای شهری به‌اندازه کافی برای مردم امن نیستند تا مردم بتوانند در خلق فرهنگ عمومی مشارکت داشته باشند» (Zukin, 1995:38) وجود چنین مسائلی موجب می‌شود ساکنان شهرهای بزرگ در زمینه برخورد یا چگونگی مواجهه با جرایم پیش رو دچار نگرانی‌ها و ترس‌هایی باشند. فرار و ترس از جرم را یک واکنش هیجانی به ترس یا اضطراب نیست به جرم و یا نمادهایی که یک شخص همراه با جرم دارد تعریف می‌کند (Ferraro, 1995). پین^۱ و ویلیام^۲ و هودسون^۳ تصور می‌کنند که ترس از جرم دامنه‌ای وسیع از پاسخ‌های هیجانی و عملی به جرم و بی‌نظمی است که به‌طور فردی یا اجتماعی اتفاق می‌افتد (به نقل از: Jaehyung Park, 2008:11).

پیامدهای ترس از جرم (احساس عدم امنیت) در سطوح مختلف فردی، همسایگی و اجتماعی قابل بررسی است؛ در سطح فردی، ترس از جرم تأثیرات روان‌شناختی قابل توجهی دارد زیرا با محدود کردن امکان جابه‌جایی و تحرک افراد در محل و همسایگی‌شان، آزادی‌های فردی آن‌ها را می‌کاهد و موجب ناخشنودی آن‌ها از همسایگی، اجتماع و کل زندگی می‌گردد. در سطح همسایگی و محل، ترس از جرم موجب کاهش همبستگی و مشارکت در انجمن‌های محلی و روابط در اجتماع می‌شود و نهایتاً در سطح اجتماعی، پیامدهای ناگوار ترس از جرم می‌تواند به‌صورت ناعادلانه و نابرابرانه بر افرادی تحمیل گردد که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی محرومند و فاقد منابع لازم برای مراقبت از خود، اموالشان و یا تغییر محل زندگی خود از چنین مناطق جرم‌خیزی هستند (McCrea & et al., 2005:40-41). می‌توان گفت مناطق

حاشیه‌نشین، به‌عنوان مناطق کم‌برخوردار، از این جهت بسیار آسیب‌پذیرتر هستند. در این مناطق، پایین بودن سطح پایگاه اقتصادی خانواده‌ها مانع از جابه‌جایی مکانی آن‌ها می‌شود و اگر افرادی احساس ترس از جرم داشته باشند، مجبور به اقدام شخصی (مثل عدم حضور در اماکن عمومی، استفاده از سلاح سرد و...) برای کاهش آن خواهند شد و در نهایت، اضطراب ناشی از این وضعیت به افت کیفیت زندگی افراد در این مناطق منجر می‌شود. امروزه مناطق حاشیه‌نشین، مرجع اکثریت آمارهای جرم و جنایت هستند (ربانی و افشارکهن، ۱۳۸۱؛ کلدی و رحمانی فیروزجاه، ۱۳۸۶). این واقعیت و ارتباط آن با دیگر ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر شهری از جمله نرخ بالای مهاجرت، تنوع قومی و فرهنگی، تضاد طبقاتی شدید، سطح نازل انسجام و همبستگی، توسعه و تغییرات سریع شهر و در نتیجه، ناخوانایی شهر و... همگی موجب پدیده انکارناپذیر ترس از جرم و بازتولید آن می‌گردد. ویژگی‌هایی را که شرح آن در سطور بالا رفت می‌توان ذیل عنوان عوامل ساختاری و یا کالبدی جای داد و باز می‌توان این عوامل ساختاری و کالبدی مؤثر بر ترس از جرم را در دو دسته عمده قرار داد: دسته اول شامل عوامل فضایی می‌گردد؛ از جمله نحوه طراحی محیط شهری، تراکم جمعیت، بی‌نظمی و بی‌نزاکتی محیطی و دسته دوم عوامل غیر فضایی از جمله خوانایی و هویت فضای شهری، نحوه کاربری محیط‌های شهری، کنترل اجتماعی، عملکرد پلیس، سرمایه اجتماعی، نابرابری اجتماعی و جنسیتی، همبستگی محلی و اجتماعی، تنوع فرهنگی و... (Franklin, 2008; Nicholson, 2010; Schafer & et al., 2006).

مناطق حاشیه‌نشین جزء مناطقی هستند که عوامل فضایی افزایش ترس از جرم در آن‌جا از دیگر مناطق شهری چشمگیرتر است. در این مناطق به دلیل مستمر نبودن نظارت شهرداری و ارائه اندک خدمات شهری، ساخت‌وسازهای ساختمانی به‌صورت غیر مجاز و ناهمگون انجام می‌شود. کوچه‌های تنگ و باریک، ساختمان‌های نیمه‌کاره، زمین‌های رها شده، تجمع زباله‌ها و نخاله‌های بنایی و... به‌صورت گسترده در این مناطق دیده می‌شود. البته به موارد یادشده باید

¹ Pain

² Williams

³ hudson

اندکی در این حوزه (ترس از جرم) صورت گرفته است و عمده تحقیقات انجام شده در این بخش، احساس امنیت شهروندان را سنجیده‌اند. در ادامه به چند مورد از تحقیقات انجام شده در خارج از کشور و به‌طور گذرا به تحقیقات داخلی اشاره خواهد شد.

اسوات و همکاران با هدف بررسی رابطه بین ادراکی از اثربخشی جمعی و همچنین برداشتی از بی‌نظمی اجتماعی و فیزیکی با ترس از جرم، پژوهشی با عنوان «ترس از جرم، بی‌نظمی اجتماعی و فیزیکی و اثربخشی جمعی در چهار محله میامی» انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که رابطه بین درک از اثربخشی جمعی و ترس از جرم، ناهمگونی معنی‌داری را در بین محلات نشان می‌دهد. روابط بین دو متغیر درک از اثربخشی جمعی و درک از بی‌نظمی اجتماعی و فیزیکی و همچنین بین درک از بی‌نظمی اجتماعی و فیزیکی و ترس از جرم نبود تجانس (ناهمگونی) را نشان نمی‌دهد (Swat & et al., 2013).

اسمیت در یک مطالعه طولی با عنوان «شفاف‌سازی رابطه ترس از جرم و تصور بی‌نظمی» به بررسی رابطه ترس از جرم و تصور بی‌نظمی در بین جوانان ولز و انگلستان در طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که ۲۰ درصد پاسخگویانی که در بازه سنی ۱۵-۱۰ قرار داشته‌اند، نگران این بوده‌اند که از آن‌ها زورگیری شود، این در حالی است که این درصد در موج سوم مطالعه به ۶/۴ درصد کاهش پیدا کرده است. همچنین آمارها نشان می‌دهد که افراد بزرگ‌تر گروه تحت مطالعه، نشانه‌های بی‌نظمی را بیشتر مشاهده می‌کنند و در این بین، افرادی که رفتارهای ضد اجتماعی از خود بروز می‌دهند، تصور بی‌نظمی بیشتری نسبت به محیط اطراف خود دارند اما ترس از جرم کمتری در این افراد مشاهده شده است. همچنین بین تصور قبلی از بی‌نظمی و ترس، رابطه مثبت همسان وجود دارد و داشتن تجربه قربانی شدن قبلی بر تصور بی‌نظمی و ترس از جرم اثر می‌گذارد و این امر، به‌عنوان وجود یک محرک خارجی برای ترس از جرم و تصور بی‌نظمی شناخته می‌شود (Smith, 2011)

اوصافی همچون عدم امنیت، جرم‌زا بودن و نیز مأمین امن برای بزهکاران را نیز اضافه نمود (لهسایبی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۳) این ویژگی‌ها، امکان نظارت پلیس را کاهش و به‌تبع آن امکان ارتکاب جرم و قربانی شدن افراد را در این مناطق افزایش می‌دهد و در نهایت، به افزایش ترس از جرم در این مناطق منجر می‌شود؛ از سوی دیگر، عوامل غیر فضایی این مناطق از قبیل تنوع فرهنگی بالا، منزلت اجتماعی و اقتصادی پایین، میزان جرم‌خیزی بالا و... چشمگیر است. حاشیه‌نشینان شهر مشهد، به‌عنوان دومین کلان‌شهر کشور، با جمعیتی معادل ۸۰۴ هزار نفر در مساحتی معادل ۶۳۵۴ هکتار در اطراف مشهد ساکن هستند (امیرفخریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹) و از این حیث، شهر مشهد بعد از تهران بیشترین جمعیت حاشیه‌نشین کشور را دارد. اگر این میزان جمعیت حاشیه‌نشین را به نسبت کل جمعیت (شهر) در نظر بگیریم، مشهد رتبه اول را در داشتن میزان جمعیت حاشیه‌نشین دارد.

نظریه پنجره‌های شکسته^۱ از جمله نظریاتی است که بر عوامل فضایی در تبیین ترس از جرم تأکید دارد. این نظریه به‌ویژه برای تبیین ترس از جرم در مناطق حاشیه‌نشین مناسب است. وجود بی‌نظمی‌های محیطی و اجتماعی فراوان در این مناطق را می‌توان به‌نوعی وجوه عینی مفاهیم نظری این نظریه دانست؛ از سوی دیگر، نظریه اثربخشی^۲ بیشتر بر عوامل غیر فضایی مؤثر بر ترس از جرم (اعتماد اجتماعی، روابط بین فردی، کنترل اجتماعی و...) تأکید می‌کند. تلفیق این دو نظریه، موجب غنی‌تر شدن مدل پژوهش و افزایش قدرت تبیین‌کنندگی آن می‌شود. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر یا رابطه عوامل فضایی و غیر فضایی ترس از جرم با استفاده از نظریات پنجره‌های شکسته و اثربخشی جمعی در منطقه شهرک حجت که از مناطق حاشیه‌نشین شهر مشهد است.

پیشینه پژوهش

به دلیل بدیع بودن موضوع در داخل کشور، تحقیقات تجربی

^۱ Broken Windows Theory

^۲ Collective Efficacy Theory

آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که متغیر ویژگی‌های فردی و بی‌نظمی‌های محله‌ای بیشترین قدرت پیش‌بینی ترس از جرم را دارند و فرآیندهای اجتماعی و ساختار محله، در پیش‌بینی ترس از جرم اهمیت کمتری دارند. چهار متغیر ذکر شده، ۳۰/۶٪ از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کنند (McCrea & et al., 2005).

میسلی و همکاران برای بررسی عوامل مؤثر بر شیوع ترس از جرم پژوهشی با عنوان «میزان شیوع و عوامل مؤثر بر ترس از جرم در ایتالیا» انجام داده‌اند. محققان عوامل مؤثر بر ترس از جرم را این‌گونه ذکر می‌کنند: ۱. گسترش جرم و جنایت به صورت عینی ۲. نامدنیّت یا بی‌نظمی‌های اجتماعی ۳. شهرنشینی به دلیل ویژگی‌هایی مثل تراکم، ناهمگونی جمعیت و... ۴. متغیرهای جمعیت‌شناختی ۵. پایگاه اجتماعی پایین ۶. قربانی شدن مستقیم. یافته‌ها تا حدی تأثیر این عوامل را تأیید می‌کنند: ۱. ترس از جرم با میزان شیوع و گسترش جرم ارتباط دارد. ۲. ترس از جرم گسترش بیشتری نسبت به خود جرم دارد. ۳. بهترین پیش‌بینی کننده ترس از جرم، شهرنشینی، تخریب مناطق مسکونی و اقامت در منطقه شمال شرقی ایتالیا بیان شده است. ۴. حداقل تأثیر را قربانی شدن جنایی دارد و ۵. متغیرهای جمعیت‌شناختی تأثیر کمتری بر ترس از جرم دارند (Miceli & et al., 2004).

کاوینگتن و تیلور در پژوهشی با عنوان «ترس از جرم در محله‌های مسکونی شهری: مفاهیم بین و درون منابع محله برای مدل‌های فعلی» به ارزیابی مدل‌های تبیین ترس از جرم (قربانی شدن غیر مستقیم، نگرانی جامعه و بی‌نظمی‌های فیزیکی و اجتماعی) پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که روش‌هایی که در این مدل‌ها استفاده شده‌اند، به خصوص مدل قربانی شدن غیر مستقیم و بی‌نظمی‌های فیزیکی و اجتماعی نیاز بیشتری به بیان نظری ساختار مرکزی‌شان دارند. نتایج همچنین به طور کلی نظریه تنوع مری^۲ - توسعه یافته از کار میدانی در بافت مسکن‌های یارانه‌ای چند قومی - را در

ژانگ و همکاران در پژوهشی با عنوان «گونجی^۱ و ترس از جرم در جامعه شهری معاصر چین» به بررسی تأثیر نوعی از سرمایه اجتماعی در جامعه چینی (گونجی) بر ترس از جرم پرداخته‌اند. محققان «گونجی» را شکلی از سرمایه اجتماعی تعریف کرده‌اند و آن را شبکه‌ای شخصی که شامل پیوند عاطفی و ابزاری است می‌دانند. نتایج نشان می‌دهد سطح بالای بی‌نظمی محلات، میزان ترس از جرم ساکنان را افزایش می‌دهد. این نتیجه، مدل بی‌نظمی را در یافته‌های پژوهشگران غربی تأیید می‌کند. تحلیل‌های چند سطحی بیانگر آن است که گونجی در محلات، پیش‌بینی کننده قابل اطمینانی برای ترس از جرم، هنگامی که عامل‌های مهم دیگر کنترل شده باشند، محسوب می‌شود (Zhang & et al., 2009).

آدامز و سرپی پژوهشی را با عنوان «همبستگی اجتماعی، ترس از جرم و رضایت از زندگی» انجام داده‌اند که هدف آن، بررسی عوامل اجتماعی و روان‌شناختی مؤثر بر ترس از جرم و سلامتی ذهنی بوده است. نتایج نشان‌دهنده آن بود که افراد ساکن در حومه‌های شهر احساس آسیب‌پذیری بسیار کمتری نسبت به جرم و همین‌طور احساس ترس بسیار کمتری نیز نسبت به ساکنان مرکز (کشور لس‌آنجلس) دارند. به طور کلی در این پژوهش مشخص شد که احساس آسیب‌پذیری و ترس از جرم، به صورت غیرمستقیم از طریق کاهش احساس کنترل مردم بر زندگی‌شان، بر رضایت از زندگی تأثیر دارند (Adams & Serpe, 2002).

مک کرا و همکاران در پژوهشی با عنوان «ترس از جرم در برسبن (استرالیا) از منظر عوامل فردی، اجتماعی و محله‌ای» انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های فردی از قبیل جنس و سن همراه با ادراک آسیب‌پذیری، ترس از جرم را پیش‌بینی می‌کنند. علائم بی‌نظمی‌های محله‌ای مانند مست کردن و تخریب‌گری همراه با افزایش درک از خطر، به ترس از جرم منجر می‌شود. فرآیندهای اجتماعی از قبیل اعتماد، مقابله به مثل و جمع‌گرایی در ارتباط بین بی‌نظمی و ساختار محله و میزان واقعی جرم نقش واسطه‌ای دارند. نتایج

² Merry's diversity thesis

¹ Guanxi

پاسخگویان متفاوت است. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد که عملکرد پلیس در احساس امنیت تأثیرگذار است.

زنجانی‌زاده (۱۳۸۰) در تحقیق بر احساس امنیت زنان در شهر مشهد به این نتیجه رسیده است که میزان امنیت اجتماعی، اقتصادی و شخصیتی کمتر از حد متوسط است. همچنین در این پژوهش، مهم‌ترین مشکلات زنان در شهر، مزاحمت‌های خیابانی و باور نکردن زنان به‌عنوان موجوداتی برابر با مردان و خطر دزدیدن و تجاوز عنوان شده است.

برخی از پژوهش‌های مذکور آشکار ساخته‌اند که مسأله ترس از جرم با انواع مختلفی از ویژگی‌های فردی^۱ مرتبط است و تغییر در میزان ترس از جرم با تغییرات در ویژگی‌های اجتماع^۲ ارتباط دارد لیکن این پژوهش‌ها در تحلیل‌هایی خود، میزان اثر هر یک از متغیرها را بر تغییرات ترس از جرم به‌طور جداگانه بررسی کرده‌اند. این امر در تحقیقات خارج از کشور که محققان عوامل و ویژگی‌های فردی را در کنار عوامل اجتماعی و ساختاری قرار داده‌اند و سعی در تبیین ترس از جرم داشته‌اند نیز مشهود است، به‌عنوان مثال در تحقیق مک‌کرا و آدامز و سرپی؛ علی‌رغم تأکید بر عوامل ساختاری- فضایی در کنار عوامل فردی، در تحلیل‌هایی تأکید بر نقش عوامل فردی مشهودتر بوده است.

بررسی تحقیقات انجام‌شده درباره ترس از جرم، به‌ویژه تحقیقات داخلی، نشان می‌دهد اکثر آن‌ها به متغیرهای ساختاری-کالبدی توجه نکرده‌اند، مانند تحقیق زنجانی‌زاده، ۱۳۸۰؛ ربانی خوراسگانی، میرحسینی، بمانیان و بیات. توضیح این‌که عوامل ساختاری مؤثر بر ترس از جرم خود به دو دسته عمده عوامل فضایی (به‌طور خاص بی‌نظمی‌های محیطی مورد نظر) و عوامل غیر فضایی (اجتماعی) قابل تفکیک هستند. در تحقیقات ذکرشده، گرچه متغیرهای ساختاری- اجتماعی بررسی شده‌اند لیکن غفلت از بررسی متغیرهای فضایی- ساختاری کاملاً مشهود است؛ لذا پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی همزمان عوامل

محلات شهری کلان‌شهرها تأیید می‌کند (Corington & Taylor, 1991).

عبدالمهی و یوسفی (۱۳۹۱) در پژوهشی از منظر حقوقی به بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم و واکنش‌های ایجاد شده در برابر آن پرداخته‌اند. طراحی محیطی و انواع آن، بی‌نظمی اجتماعی و رسانه از جمله عوامل اجتماعی هستند که در این پژوهش به آن، اشاره شده است.

امیرکافی (۱۳۸۸) در تحلیلی ثانویه به بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که بین سن با احساس امنیت همبستگی ضعیف و معناداری وجود دارد و نتایج تحلیل علی حاکمی از آن است که حمایت اجتماعی، ریسک و مخاطره، بی‌نظمی اجتماعی و درک از بروز جرائم و بزهکاری، مهم‌ترین عوامل احساس امنیت محسوب می‌شوند. بمانیان و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی به مطالعه عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط شهری در بافت مرکزی تهران پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بین امنیت درک شده از فضا و میزان تردد و استفاده از آن فضا رابطه مستقیمی دارد.

ربانی خوراسگانی (۱۳۸۷) در تبیین جامعه‌شناختی از ترس از جرم نشان می‌دهد که احساس ترس نسبتاً اندکی در میان پاسخگویان پژوهش وجود دارد و عوامل فردی در مقایسه با عوامل زمینه‌ای، توان تبیینی لازم را ندارند.

صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۸۷) در تحلیل جامعه‌شناختی از ترس از جرم در میان زنان شهر نشان داده‌اند که ترس زنان از جرم به شکل طردهای فضایی و اجتماعی تحقق می‌یابد و این ترس در فرآیند زندگی اجتماعی و درک زنان از روابط و مناسبات قدرت جنسیتی شکل می‌گیرد و به‌صورت جدایی‌گزینی‌های فضایی نمایان می‌شود.

بیات (۱۳۸۶) در مطالعه «احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی» بر نقش پرداخت رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی تأکید کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان احساس ناامنی از حیث جنسیت، منطقه سکونت، تأهل و سن

¹ individual characteristics

² characteristics community

فضایی در کنار عوامل غیر فضایی، به پاسخی برای این سؤال که عوامل ساختاری به چه میزان ترس از جرم را تبیین می‌کنند، دست یابد.

چهارچوب نظری

نظریه پنجره‌های شکسته

ویلسون و کلینگ از نظریه‌پردازانی هستند که با طرح نظریه «پنجره‌های شکسته» به بررسی علایم ناهنجاری فیزیکی در محل سکونت به‌عنوان جزئی از بی‌نظمی اجتماعی و اثر آن بر ناامنی می‌پردازند.

این نظریه در یک جمله خلاصه می‌شود و آن این‌که چیزهای کوچک اگر جدی گرفته نشوند موجب بروز مسائل بزرگ خواهند شد.^۱ ارائه‌کنندگان این تئوری چنین بیان می‌دارند که احساس ناامنی در محله تنها به دلیل جرایم خشونت‌آمیز نیست بلکه ناهنجاری‌ها و رفتارهای اخلاک‌گرانه چون اعتیاد، ولگردی و تکدی‌گری، گذشته از این‌که عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی هستند، به‌نوبه خود زمینه رواج گسترده جرایم را نیز فراهم می‌نمایند؛ همان‌طور که اگر پنجره‌ای از ساختمان بشکند و همچنان تعمیر نشده رها گردد به‌زودی کل ساختمان منهدم خواهد گردید. برای پیشگیری از انهدام اجتماع نیز باید به‌محض شکسته شدن اولین پنجره، فوراً با هنجارشکن برخورد شود (Wilson & Kiling, 1982).

بی‌نظمی تصویری^۲

در نگاه اول، نظریه پنجره‌های شکسته می‌تواند تفسیری از فرض رابطه مستقیم بین بی‌نظمی و جرم باشد. ویلسون و کلینگ اظهار می‌کنند که جرایم خشن خیابانی در مناطقی که بی‌نظمی رفتاری در آن مشهود بوده است رشد می‌کنند. مشاهده و مطالعه بیشتر در این گزاره می‌تواند به‌آسانی به تفسیر این‌که بی‌نظمی به جرم و جنایت منجر می‌شود بینجامد؛ با این حال محققان یک رابطه مستقیم را پیشنهاد نمی‌کنند

بلکه به‌جای آن، این رابطه را زنجیره‌ای از وقایع می‌دانند که از بی‌نظمی به جرم ختم می‌شود: بی‌نظمی و جرم معمولاً به‌طور جدایی‌ناپذیری به یکدیگر مرتبط هستند و در یک سیر توالی تکاملی با یکدیگر قرار دارند. به‌طور خاص ویلسون و کلینگ استدلال می‌کنند که بی‌نظمی به از بین رفتن کنترل اجتماعی غیر رسمی منجر می‌شود که این به‌نوبه خود، به افزایش جرائم جدی‌تر می‌انجامد. نظریه‌پردازان پنجره‌های شکسته بر اولویت دادن به وجود نظم در جامعه تأکید می‌کنند و معتقدند که بی‌نظمی‌های گسترده فیزیکی و اجتماعی به از بین رفتن کنترل اجتماعی غیر رسمی و همچنین مکانیک‌های تنظیم روابط اجتماعی در جامعه منجر می‌گردد و در نهایت جرم را اشاعه و ترس را گسترش می‌دهد (Matthews, 1992; Kingays & et al., 1986) و اذعان می‌کنند زمانی که بی‌نظمی وجود دارد، وقوع جرائم خشن و جدی اجتناب‌ناپذیر نیست (Gault, 2008:241). اسکوگان در سال ۱۹۹۰، تفسیر بهتری از نظریه پنجره‌های شکسته ارائه می‌دهد. او بی‌نظمی موجود در یک محله را نوعی فقدان نظم و کنترل اجتماعی بیان می‌دارد و آن را در قالب بی‌نزاکتی‌های^۳ فیزیکی و اجتماعی (فقدان مدنیت) بررسی می‌کند. برای ساکنان، بی‌نظمی و جرم ابتدا به عقب‌نشینی از اجتماع منتهی می‌گردد و به ایجاد نگرانی و ترس منجر می‌شود. جایی که بی‌نظمی فراوان است، هیچ‌کس مسئولیت رفتار خلاف قانون و انضباط را در مکان‌های عمومی نمی‌پذیرد و احساس قلمرو گرایی در میان ساکنان کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، مجرمان به این مناطق هجوم می‌آورند و فرصت ارتکاب جرم پیدا می‌کنند. ثبات در محلات سبب کاهش بی‌نظمی می‌گردد (Skogan, 1990:173-174).

بی‌نظمی فیزیکی تصویری^۴

بی‌نظمی‌های فیزیکی شامل نشانه‌های دیداری سهل‌انگاری، غفلت (شامل ساختمان‌های متروکه، پنجره‌های شکسته و

³ incivility

⁴ Perceived Social Disorder

¹ little thing lead to big thing

² Perceived Disorder

رفتاری توهینی به احساسات جمعی محله تلقی می‌شود و حس گسترده‌ای از بی‌نظمی ایجاد می‌کند و به ساکنان حس ترس از جرم را القا می‌کند. این امر سبب می‌شود ساکنان تابع قانون به خارج از فضای عمومی رانده شوند و این نبود مردم عادی، خود نشانه‌ای از رفتار انحرافی قابل تحمل در محله است (Golub & et al., 2003:692).

نظریه اثربخشی جمعی

برای اولین بار تئوری اثربخشی جمعی در ایلینویس شیکاگو، در دهه ۹۰ میلادی و با استفاده از داده‌های پروژه «توسعه انسانی در محلات شیکاگو»^۳ به محک تجربه خورد. سامپسون و همکاران^۴ ۳۴۳ خوشه همسایگی^۵ بر مبنای داده‌های پیمایشی موجود ایجاد کردند. تعریف آن‌ها از خوشه همسایگی عبارت بود از: «گروهی از افراد و نهادها که یک بخش جزئی از یک اجتماع بزرگ‌تر را اشغال کرده‌اند» (Sampson & et al., 1997:919). در هر خوشه از سویی منابع برونی و کارآیی جمعی (ترکیبی از کنترل اجتماعی غیر رسمی، چسبندگی اجتماعی^۶ یا انسجام و همچنین اعتماد) اندازه‌گیری شد و از سوی دیگر خشونت سنجیده شد. در این تحقیق، مفهوم‌سازی و سنجش کنترل غیر رسمی اجتماعی، به‌نوعی جایگزین پارادایم بی‌سازمانی اجتماعی شد. سامپسون و همکارانش از مفهوم بی‌رغبتی^۷ استفاده کردند و آن را معلول ماهیت کنشی-کنشی-فیزیکی کنترل اجتماعی غیر رسمی فرض گرفتند. آن‌ها چنین شرح دادند که همان‌طور که افراد اثربخشی فردی^۸ دارند، اجتماعات هم اثربخشی همسایگی^۹ دارند. معتقد است که اثربخشی جمعی شامل اعتماد در میان ساکنان و تمایل به دخالت برای دستیابی به کنترل اجتماعی است. با توجه به گفته سمپسون، اثربخشی جمعی محله برقراری

چراغ‌های شکسته شده در خیابان و...) و پسرفت مناظر و چشم‌اندازهای شهری مانند دیوارنویسی و تلنبار شدن زباله در خیابان‌هاست (Skogan, 1990:173). در این شرایط، ساکنان رفتار خود را تغییر می‌دهند و احساس ترس در میان آن‌ها رسوخ می‌کند. محققان اظهار می‌کنند که چنین منطقه‌ای مستعد و آسیب‌پذیر وقوع جرم است (Galt, 2008؛ علیخواه و نجیبی، ۱۳۸۵:۱۱۶). خانه‌نشینی شهروندان، عدم حضور در محله و همچنین ترک محل از پیامدهای این ترس است. نبود تعامل بین ساکنان یک محل، به ترس بیشتر و در نهایت به جدابودگی مضاعف ساکنان محل منجر می‌شود. بنابراین تقویت اجتماع، راه‌حل پایان این مسأله است (Sasson, 1995). جیکوپاسی و فورود معتقدند که روحیه عدم مشارکت در جامعه منجر به ذره‌انگاری^۱ که در نقطه مقابل انسجام اجتماعی است، می‌شود (GiaCopassi & Forde, 2000) و کاهش بی‌نظمی به زنجیره‌ای از وقایع و در نهایت به کاهش جرم منجر می‌گردد (Golub & et al., 2003:690).

بی‌نظمی اجتماعی تصویری^۲

به نظر اسکوگان، بی‌نظمی‌های اجتماعی یک موضوع رفتاری (رفتارهای از هم‌گسیخته) است که افراد می‌توانند اتفاق افتادن آن را مشاهده یا تجربه نمایند (مانند فروش مواد مخدر، تخریب اموال عمومی، مصرف مشروبات الکلی در ملاء عام و آزار و اذیت‌های لفظی در خیابان، گروه‌های اراذل و اوباش و...). وی بر این باور است که بی‌نظمی محلی و ترس از جرم به‌طور قوی با یکدیگر همبسته هستند و جایی که بی‌نظمی اجتماعی در سطح بالایی وجود دارند، افراد احساس امنیت ندارند و ترس از جرم بیشتری دارند (Kohm, 2009:11). پیروان نظریه پنجره‌های شکسته معتقدند که بی‌نظمی‌های اجتماعی به مانند مارپیچی از وقایع که رو به پایین حرکت می‌کند، عمل می‌نمایند و در نهایت به فروپاشی محله می‌انجامند. این فرآیند بدین صورت است که بی‌نظمی‌های

³ (PHDCN) Project on Human Development in Chicago Neighborhoods

⁴ neighborhood clusters

⁵ social cohesion

⁶ willingness

⁷ self-efficacy

⁸ neighborhood efficacy

⁹ Sampson

¹ atomization

² Perceived physical Disorder

تجربه خواهند کرد (Garcia & et al., 2007) و به جای گسترش هنجارهایی که به نفع کل جامعه خواهد بود، تنها منافع فردی خود را حفظ خواهند کرد (Rosenfeld & et al., 2001) بنابراین، اعتماد در بین همسایگان ضروری است، چون در جوامع بی‌سازمان به عنوان یک متغیر واسطه‌ای در کنترل بی‌نظمی عمل می‌کند.

چسبندگی اجتماعی

«یکی از برجسته‌ترین مزایای داشتن یک محله منسجم، رضایتمندی ساکنان آن است. داشتن ساکنان راضی در حفظ یک محله منسجم (و دارای نظم) ضروری است، زیرا آن‌ها می‌توانند یکپارچگی محله را حفظ کنند و راغب خواهند بود تا برای منفعت جمعی عمل کنند. بر این اساس مقداری از نارضایتی ممکن است آن‌ها را به سمت عمل (که به رضایت منجر شود) سوق دهد و به رضایت کلی ساکنان منجر شود. با توجه به توضیح فوق، یکی دیگر از ابعاد اثربخشی جمعی، چسبندگی اجتماعی است که بر همگرایی اعضای یک اجتماع (در اینجا ساکنان یک محله) اطلاق می‌شود و به میزان همراه بودن اعضای یک جامعه که در پی رسیدن به یک هدف جمعی هستند، اشاره دارد. بنابراین اثربخشی جمعی به طور عام و چسبندگی اجتماعی به طور خاص احساسی در درون یک محله است که فراتر از اقرار فردی است. اعتماد و چسبندگی اجتماعی از آن جهت مهم هستند که انگیزه ساکنان برای داشتن حضوری فعال در اجتماع (به طور خاص یک محله) را فراهم می‌کنند و آن‌ها را از کنش‌گری خنثی به فردی مسئولیت‌پذیر، دارای احساس تعلق و اثرگذار تبدیل می‌کند (سمپسون و همکاران، 1997).»

کنترل اجتماعی غیر رسمی^۲

مفهوم کنترل اجتماعی غیر رسمی اعمالی را در برمی‌گیرد که در آن ساکنان به همدیگر اعتماد دارند و دارای طیفی از رفتارهای مقبول مشترک هستند (Sampson & et al., 1997).

ارتباط بین انسجام، اعتماد و انتظارات مشترک برای یک عمل است (Sampson, 2004:108). غایت نظریه اثربخشی جمعی، تأکیدی دوباره بر اهمیت فکر کردن به راه‌های اجتماعی برای حل مسائل اجتماعی است.

اعتماد اجتماعی^۱

اعتماد زمینه گسترش همبستگی در بین همسایگان و اجتماع را فراهم می‌کند. از آن‌جا که برقراری روابط اجتماعی جدید و تقویت آن‌ها غالباً دشوار است، انجام یا گسترش این کار، وقت‌گیر است. این یک فرآیند مداوم است که اغلب به سال‌ها زمان نیاز دارد تا اطمینان حاصل شود که اعتماد در بین ساکنان محله گسترش می‌یابد. اصل اساسی تعیین‌شده در مدل سیستماتیک که در رأس آن حاکم است (قرار دارد)، ثبات مسکونی است. محققان به این نتیجه رسیده‌اند که ساکنان طولانی‌مدت نیز دوستانی در محله دارند و غالباً تنها در این روابط شخصی درگیر نمی‌شوند، بلکه از طریق شیوه‌های دیگر نیز در اجتماع مشارکت می‌کنند (Kasarda & Janowitz, 1974). محله‌هایی که پایداری کمتری دارند، فعالیت‌های مجرمانه را افزایش می‌دهند (Sampson, 1991; Xie & McDowall, 2008) و این به‌طور خاص با جرایم خشونت‌آمیز مرتبط شده است (Morenoff & Sampson, 1997).

در اثربخشی جمعی این استدلال نه‌تنها به فراتر از ساکنان در یک محله تعمیم پیدا می‌کند بلکه بر اهمیت مالکیت خانه نیز تأکید می‌شود. هنگامی که فردی صاحب یک خانه است، منافع گسترده‌ای در محله دارد. ساکن نه‌تنها در دارایی خود بلکه در امنیت و ایمنی محله نیز سرمایه‌گذاری می‌کند. ثبات محله به ساکنان اجازه می‌دهد تا به یکدیگر اعتماد داشته باشند. این امر در جوامع بی‌سازمانی که به لحاظ اجتماعی آشکار هستند، توانایی غلبه بر شرایط ساختاری را که شاو و مک کی در رابطه با جرم پیش‌بینی کرده بودند گسترش می‌دهد. هنگامی که ساکنان جوامع احترام و اعتمادی برای همدیگر قائل نمی‌شوند، بیشتر رفتارهای مرتبط با جرم را

² Informal social control

¹ Social Trust

روش‌شناسی

روش تحقیق پژوهش حاضر، پیمایشی و از نوع مقطعی است و برای گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری کلیه ساکنان منطقه شهرک حجت شهر مشهد است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۳۸۲۸ نفر بوده‌اند. برای انتخاب حجم نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. در ابتدا منطقه شهرک حجت بر اساس بافت جمعیتی به ۱۸ بلوک تقسیم شده است و پس از بررسی بلوک‌ها و بر اساس وضعیت اقتصادی-اجتماعی بلوک‌ها (بر اساس مشاهدات محقق) در نهایت ۱۸ بلوک به ۳ خوشه تبدیل شده، متناسب با تراکم جمعیت هر خوشه، تعداد نمونه آن تعیین گردیده است. حجم نمونه نیز با فرمول کوکران ۳۷۴ نفر محاسبه شد اما از آن‌جا که پیش‌بینی می‌شد برخی پرسشنامه‌ها ناقص تحویل داده شود و یا بخشی از آنان مفقود گردد، ۴۲۰ پرسشنامه توزیع گردید و پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، نهایتاً ۳۹۴ پرسشنامه تحلیل گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار spss و از آماره‌های توصیفی و استنباطی (آزمون تفاوت میانگین دو گروهی و بیشتر و همچنین رگرسیون چندگانه) استفاده شده است. همچنین برای بررسی اعتبار پرسشنامه از اعتبار محتوا و اعتبار سازه استفاده شده که بدین منظور، بر اساس آزمون مقایسه میانگین دو گروه^۲، مشاهده شده است که میزان ترس از جرم در بین زنان بیش از مردان بوده است. این یافته با نتایج تحقیقات انجام‌شده قبلی (Couldwell, 2012; Chiriacos, 2012; Cops & Pleyseir, 2011; May & et al., 2010) مطابقت دارد؛ در نتیجه مقیاس متغیر وابسته (ترس از جرم) از اعتبار سازه نظری برخوردار است. برای تعیین پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. جدول ۱، نتایج تحلیل پایایی متغیر وابسته و ابعاد متغیر مستقل را نشان می‌دهد.

کنترل اجتماعی غیررسمی در هر لحظه که رفتارهایی خلاف هنجارها و ارزش‌های پذیرفته شده جامعه اتفاق افتد، می‌تواند اعمال [و فعال] شود. این توانایی اعتماد ساکنان نسبت به همدیگر را که به انسجام محله (همسایگی) منجر می‌شود، به‌طور فزاینده‌ای گسترش می‌دهد. این دست‌ورالعمل جایی نوشته نشده، اما هنگامی که مورد نیاز باشد اجرا می‌شود. مورنوف، سمپسون و رادنبوش^۱ (۲۰۰۱) اظهار می‌کنند که این یک وظیفه خاص است و انتظارات مشترک و تعهدات متقابل توسط ساکنان برای حفظ کنترل محله‌شان را نشان می‌دهد. کنترل اجتماعی غیر رسمی با ظهور نظارت انتزاعی در محله رخ می‌دهد اما هنگامی که رفتارها مطابق با استانداردهای رفتاری نباشند، عمل اصلاحی رخ خواهد داد. اثربخشی جمعی به این مهم که چطور محله به‌صورت غیر رسمی توسط ساکنان آن اداره می‌شود، اشاره دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که معمولاً محله‌های با سطوح بالاتر اثربخشی جمعی، سطوح پایین‌تری از خشونت را تجربه می‌کنند (به نقل از Swatt & et al., 2012). در این مدل، کنترل اجتماعی از طریق مداخله در مسائل توسط ساکنان محله، به وجود می‌آید. در صریح‌ترین معنا، اثربخشی جمعی زمانی مورد انتظار است که مداخله مستقیم سبب برطرف شدن مسائل شود.

فرضیات پژوهش

- ترس از جرم تابعی مثبت از بی‌نظمی فیزیکی تصویری است.
- ترس از جرم تابعی مثبت از بی‌نظمی اجتماعی تصویری است.
- ترس از جرم تابعی منفی از میزان کنترل اجتماعی غیر رسمی است.
- ترس از جرم تابعی منفی از میزان اعتماد اجتماعی است.
- ترس از جرم تابعی منفی از میزان احساس تعلق محله‌ای است.

² Independent Samples T-Test

¹ Raudenbush

جدول ۱- ضریب آلفای مقیاس‌های تحقیق

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفای	متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفای
ترس از جرم	۱۶	۰/۸۴	اعتماد اجتماعی	۶	۰/۸۴
بی‌نظمی تصویری اجتماعی	۱۳	۰/۸۵	کنترل اجتماعی غیر رسمی	۵	۰/۷۰
بی‌نظمی تصویری فیزیکی	۱۴	۰/۸۳	احساس تعلق محله‌ای	۴	۰/۷۷

مفاهیم پژوهش و سنجش متغیرها

ترس از جرم

ساخت و اندازه‌گیری متغیر ترس از جرم همیشه مورد بحث صاحب‌نظران بوده است (Park, 2008:11) و در حالی که عده‌ای برخورد مستقیم فرد را با جرم مورد نظر داشته‌اند (McCrea & et al., 2005)، عده‌ای دیگر به ابعاد دیگر از جمله بُعد شناختی، انفعالی و رفتاری (Doob, 1995; Sacco, 2005) اشاره نموده‌اند و آن را واکنش هیجانی مشخص به احساس خطر و اضطراب ناشی از تهدید به آسیب فیزیکی دانسته‌اند (Garofalo, 1981). به نظر می‌رسد تعریف عبدالله یوسف (Yousef, 1994) از ترس از جرم تعریف کامل و جامع‌تری باشد: وی ترس از جرم را نگرانی فرد از بزه دیدگی عنوان می‌کند و آن را دارای دو بعد احساس امنیت و نگرانی درباره جرم می‌داند (به نقل از Warr, 2000:453). این تعریف مبنای ترس از جرم در این پژوهش قرار گرفته است. بعد احساس عدم امنیت با ۱۰ گویه و با این پرسش که «با توجه به شرایط محله‌تان، لطفاً نظر خود را نسبت به هر یک از عبارات زیر با زدن علامت ضربدر مشخص کنید» در سطح ترتیبی و در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است. همچنین بعد ترس از بزه دیدگی نیز در قالب ۶ گویه و با پرسشی شبیه سؤال بعد قبل در سطح سنجش ترتیبی و قالب طیف لیکرت سنجیده شده است. در تدوین گویه‌ها از پژوهش یوسف (۱۹۹۴) و سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۹)، استفاده شده است و با توجه به شرایط فرهنگی- اجتماعی جمعیت مورد تحقیق بومی شده. گویه‌های این متغیر به پیوست مقاله آمده است.

بی‌نظمی تصویری

بی‌نظمی به عوامل قابل مشاهده‌ای اشاره دارد که ساکنان، آن‌ها را به‌عنوان نشانه‌های شکسته شدن نظم اجتماعی و کنترل در محله خود احساس می‌نمایند. بی‌نظمی محلی احساس ناتوانی و عجز را در افراد تقویت می‌نماید. افرادی که خود را در مجموعه‌ای از حوادث گرفتار می‌بینند دچار احساس عجز می‌گردند (Skogan, 1990:174). بی‌نظمی موجود در یک محله نوعی فقدان نظم و کنترل اجتماعی است و در قالب بی‌نواکته‌های فیزیکی و اجتماعی (فقدان مدنیت) بررسی می‌شود. بی‌نظمی تصویری دارای دو بعد بی‌نظمی تصویری فیزیکی و بی‌نظمی تصویری اجتماعی است که با ۲۷ گویه در طیف لیکرت (Skogan, 1990; Muniz, 2012:5) با این سؤال که «به نظر شما در محله‌ای که زندگی می‌کنید، موارد زیر تا چه حد وجود دارد؟» سنجیده شده است. گویه‌ها متناسب با وضعیت حاشیه‌نشینی مشهد و مشاهدات و تجربه زیسته محقق بومی شده‌اند. در ادامه تعریف مفهومی هر یک از ابعاد ادراک بی‌نظمی خواهد آمد.

بی‌نظمی اجتماعی تصویری

به نظر اسکوگان، بی‌نظمی‌های اجتماعی یک موضوع رفتاری (رفتارهای ازهم‌گسیخته) است که افراد می‌توانند اتفاق افتادن آن را مشاهده یا تجربه نمایند (مانند فروش مواد مخدر، تخریب اموال عمومی، مصرف مشروبات الکلی در ملاء عام و آزار و اذیت‌های لفظی در خیابان، گروه‌های ارادل و اوباش و...) (Muniz, 2012:5; Skogan, 1990). گویه‌های این متغیر به

¹ incivility

پیوست مقاله آمده است.

این متغیر با دو مؤلفه و تحت مفاهیم اعتماد اجتماعی (روابط محله‌ای) و احساس تعلق محله‌ای با ۱۱ گویه در سطح سنجش ترتیبی و با مقیاس لیکرت (Sampson & et al., 1997، سراج‌زاده و گیلانی، ۱۳۸۹) عملیاتی شده است. گویه‌ها با توجه به شرایط فرهنگی - اجتماعی جمعیت تحقیق بومی شده‌اند. گویه‌های این متغیر به پیوست مقاله آمده‌اند.

کنترل اجتماعی غیر رسمی

کنترل غیر رسمی اثربخش بدین معنی است که چه طور محله به صورت غیر رسمی توسط ساکنان آن محل اداره می‌گردد؛ این بدین معناست که کنترل اجتماعی از طریق مداخله در مسائل توسط ساکنان محله به وجود می‌آید (Swatt & et al., 2012:1) و ساکنان تمایل به مداخله در جهت منافع مشترک دارند (Armstrong & et al., 2010:4). این مفاهیم با ۴ گویه در سطح سنجش ترتیبی و با استفاده از مقیاس لیکرت عملیاتی شده‌اند (Sampson & et al., 1997). گویه‌های این متغیر به پیوست مقاله آمده است

یافته‌ها

بی‌نظمی فیزیکی تصویری

بی‌نظمی‌های فیزیکی شامل نشانه‌های دیداری سهل‌انگاری، غفلت (شامل ساختمان‌های متروکه، پنجره‌های شکسته و چراغ‌های شکسته شده در خیابان و...) و پسرفت مناظر و چشم‌اندازهای شهری مانند دیوارنویسی و تلنبار شدن زباله در خیابان‌هاست (Skogan, 1990). آنچه در هر دو این مجموعه بی‌نظمی‌ها به‌عنوان نشانه مشهود است، از بین رفتن هنجارها و ارزش‌های پذیرفته شده است. گویه‌های این متغیر به پیوست مقاله آمده است.

چسبندگی اجتماعی

هر چند در تعریف چسبندگی اجتماعی بعضی محققان آن را با مفهوم پیوند سرمایه اجتماعی دارای رابطه نزدیکی می‌دانند با این حال بسیاری محققان نیز تفاوت‌های زیادی بین این دو مفهوم قائل می‌شوند. چسبندگی محله یک جنبه مثبت از مدل سیستماتیک است به طوری که شامل گسترش روابط و اعتماد در بین اعضای محله می‌شود. بدون روابط مثبت و گسترش اعتماد، چسبندگی محله نمی‌تواند گسترش یابد (Baumer & et al., 2004; Lederman & et al., 2002; Messner & et al., 2004).

جدول ۲- توصیف متغیر ترس از جرم

متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
ترس از جرم	۳۹۴	۱۸	۷۶	۴۹/۹۳	۱۱/۰۵	-۰/۱۰	۰/۰۵

آمده ۰/۱۰ - است که بیانگر این واقعیت است که نمره ترس از جرم تعدادی کمی از اعضای نمونه بالاتر از میانگین یاد شده است. ضریب کشیدگی هم (۰/۰۵) در حد ضعیف است که نشان می‌دهد نمونه مورد با اندکی تسامح از این حیث نرمال است.

نمره ترس از جرم بین ۱۶ (حداقل نمره ممکن) تا ۸۰ (حداکثر نمره) متغیر است. داده‌های جدول ۲، بیانگر آن است که حداقل نمره ترس از جرم در حجم نمونه ۳۹۴ نفر، برابر با ۱۸ و حداکثر نمره کسب شده برابر با ۷۶ است. آماره میانگین نیز نشان می‌دهد که متوسط نمره ترس از جرم در بین نمونه مورد بررسی ۴۹/۹۳ است. ضریب چولگی به دست

جدول ۳- توصیف متغیر ترس از جرم برحسب جنسیت

جنسیت ترس از جرم	زن		مرد		جمع کل
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کم	۲۸	۱۴	۴۹	۲۵/۲	۷۷
تا حدودی	۶۸	۳۴	۸۸	۴۵/۴	۱۵۶
زیاد	۱۰۴	۵۲	۵۷	۲۹/۴	۱۶۱
جمع	۲۰۰	۱۰۰	۱۹۴	۱۰۰	۳۹۴

جدول ۳، بیانگر توزیع ترس از جرم برحسب جنسیت است. بر این اساس، ۱۹/۵ درصد از پاسخگویان میزان ترس از جرمشان کم بوده است؛ همچنین ۴۰/۹ درصد (۱۶۱ نفر) میزان ترس از جرم خود را زیاد ابراز نموده‌اند. نتایج جدول

فوق به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد که ۱۴ درصد (۲۸ نفر) از زنان میزان ترس از جرم خود را کم ارزیابی نموده‌اند در حالی که این میزان برای مردان ۲۵/۲ درصد (۴۹ نفر) است.

جدول ۴- توصیف بعد عدم احساس امنیت برحسب جنسیت

جنسیت عدم احساس امنیت	زن		مرد		جمع کل
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
زیاد	۱۱۱	۵۵/۵	۵۴	۲۷/۸	۱۶۵
تا حدودی	۶۳	۳۱/۵	۸۱	۴۱/۸	۱۴۴
کم	۲۶	۱۳	۵۹	۳۰/۴	۸۵
جمع	۲۰۰	۱۰۰	۱۹۴	۱۰۰	۳۹۴

جدول ۴، بیانگر توصیف متغیر عدم احساس امنیت برحسب جنسیت است. نتایج جدول فوق بیانگر آن است که ۴۱/۹ درصد (۱۶۵ نفر) از پاسخگویان میزان عدم احساس امنیتشان زیاد یا بسیار زیاد بوده است (احساس امنیت پایینی داشته‌اند) و ۲۱/۶ درصد (۸۵ نفر) احساس عدم امنیتشان کم

و بسیار کم بوده است (احساس امنیت بالایی داشته‌اند). داده‌های مندرج در جدول فوق به تفکیک جنسیت بیانگر آن است که ۵۵/۵ درصد (۱۱۱ نفر) از زنان میزان عدم احساس امنیت خود را زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند و این میزان برای مردان ۲۷/۸ درصد (۵۴ نفر) بوده است.

جدول ۴- توصیف بعد ترس از بزه دیدگی برحسب جنسیت

جنسیت ترس از بزه دیدگی	زن		مرد		جمع کل
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کم	۹۴	۴۷	۷۱	۳۶/۶	۱۶۵
تا حدودی	۵۱	۲۵/۵	۶۵	۳۳/۵	۱۱۶
زیاد	۵۵	۲۶/۵	۵۸	۲۹/۹	۱۱۳
جمع	۲۰۰	۱۰۰	۱۹۴	۱۰۰	۳۹۴

جدول ۵، بیانگر توصیف متغیر ترس از بزه‌دیدگی برحسب جنسیت است. بر اساس داده‌های مندرج در جدول فوق، ۲۸/۶ درصد (۱۱۳ نفر) از پاسخگویان ترس از بزه‌دیدگی زیاد و ۴۱/۹ درصد (۱۶۵ نفر) ترس از بزه‌دیدگی کم از خود ابراز نموده‌اند. نتایج به تفکیک جنسیت بیانگر آن است که ۲۷/۵ درصد (۵۵ نفر) از زنان میزان ترس از بزه‌دیدگی خود را زیاد دانسته‌اند و این میزان برای مردان ۲۹/۹ درصد (۵۸ نفر) بوده است.

جدول ۶، توصیف متغیرهای مستقل تحقیق است. بر این اساس حداقل نمره بی‌نظمی اجتماعی تصویری ۱۶ (از حداقل نمره ۱۳) و حداکثر نمره کسب شده برابر با ۶۳ (از حداکثر نمره ۶۵) با میانگین ۳۸ است. حداقل نمره بی‌نظمی فیزیکی، برابر با ۱۶ (از حداقل نمره ۱۴) و حداکثر نمره کسب شده برابر با ۶۹ (از حداکثر نمره ۷۰) است، آماره میانگین نیز نشان می‌دهد که متوسط نمره این متغیر در بین نمونه مورد بررسی ۳۵/۶۰ است. حداقل نمره اعتماد اجتماعی برابر با ۶ (از حداقل نمره ۴) و حداکثر نمره کسب شده برابر با ۳۰ (از حداکثر نمره ۳۰) است. آماره میانگین نیز نشان می‌دهد که متوسط نمره این متغیر در بین نمونه مورد بررسی ۱۷/۸۲ است.

جدول ۶- توصیف متغیرهای مستقل

متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
بی‌نظمی اجتماعی تصویری	۳۹۴	۱۶	۶۳	۳۸	۷/۵	۰/۵۱	۰/۱۰
بی‌نظمی فیزیکی تصویری	۳۹۴	۱۶	۶۹	۳۵/۶۰	۹/۶۶	۰/۴۲	۰/۰۸
اعتماد اجتماعی	۳۹۴	۶	۳۰	۱۷/۵۲	۵/۲۴	-۰/۱۰	-۰/۵۴
احساس تعلق محله‌ای	۳۹۴	۷	۲۵	۱۷/۸۲	۳/۶۱	-۰/۴۲	۰/۱۵
کنترل اجتماعی غیر رسمی	۳۹۴	۴	۲۰	۱۳/۰۳	۴/۰۹	-۰/۵۰	-۰/۴۸

جدول ۷، مدل رگرسیون چندگانه تبیین‌کننده ترس از جرم بر اساس متغیرهای مستقل و جنسیت همان‌طور که در جدول ۷، نشان داده شده است، ضریب همبستگی چندگانه بین شش متغیر وارد شده به مدل برابر با ۰/۶۴۷ است که با توجه به مقدار F و سطح خطای محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0/01$) معنی‌دار است. ضریب تبیین چندگانه نیز برابر ۰/۴۱۸ است؛ بدین ترتیب مشخص می‌شود که بیش از ۴۱ درصد از تغییرات ترس از جرم، متأثر از اعتماد اجتماعی، کنترل غیر رسمی، احساس تعلق محله‌ای، بی‌نظمی اجتماعی تصویری و بی‌نظمی فیزیکی

شده برابر با ۳۰ (از حداکثر نمره ۳۰) است و میزان میانگین اعتماد اجتماعی در بین نمونه مورد بررسی ۱۷/۵۲ است. حداقل نمره متغیر احساس تعلق محله‌ای برابر با ۷ (از حداقل نمره ۵) و حداکثر نمره کسب شده برابر با ۲۵ (از حداکثر نمره ۲۵) با میانگین ۱۷/۸۲ است. حداقل نمره متغیر کنترل اجتماعی غیر رسمی در حجم نمونه ۳۹۴ نفر، برابر با ۴ (از حداقل نمره ۴) و حداکثر نمره کسب شده برابر با ۲۰ (از حداکثر نمره ۲۰) است. آماره میانگین نیز نشان می‌دهد که متوسط نمره این متغیر در بین نمونه مورد بررسی ۱۳/۰۳ است.

جدول ۷- مدل رگرسیون چندگانه تبیین‌کننده ترس از جرم بر اساس متغیرهای مستقل و جنسیت

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین چندگانه	ضریب تعیین تعدیل شده	F	معناداری
۰/۶۴۷	۰/۴۱۸	۰/۴۰۹	۴۹/۳۶۳	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول ۷، نشان داده شده است، ضریب همبستگی چندگانه بین شش متغیر وارد شده به مدل برابر با ۰/۶۴۷ است که با توجه به مقدار F و سطح خطای محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0/01$) معنی‌دار است. ضریب تبیین چندگانه نیز برابر ۰/۴۱۸ است؛ بدین ترتیب مشخص می‌شود که بیش از ۴۱ درصد از تغییرات ترس از جرم، متأثر از اعتماد اجتماعی، کنترل غیر رسمی، احساس تعلق محله‌ای، بی‌نظمی اجتماعی تصویری و بی‌نظمی فیزیکی

تصویری و جنسیت است. ضریب تعیین تعدیل یافته برابر با ۴۰٪ است. این معیار نسبت به ضریب تعیین حقیقی‌تر است زیرا لزوماً با افزایش تعداد متغیرهای مستقل افزایش نمی‌یابد. بدیهی است سایر درصد تغییرات ترس از جرم ناشی از خطا و متغیرهایی است که محقق اندازه نگرفته، در این پژوهش آورده نشده است. در جدول زیر نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای آزمون بررسی اثر متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک (ترس از جرم) ارائه شده است.

جدول ۶- ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه بر اساس متغیرهای مستقل

آمار هم خطی		همبستگی			Sig	t	Beta	B	متغیرهای مستقل
VIF	T	نیمه تفکیکی	تفکیکی	صفر					
---	---	---	---	---	۰/۰۰۰	۱۳/۳۸۹	---	۴۳/۶۲۰	مقدار ثابت
۱/۳۸۰	۷۲۴/۰	-۰/۳۰	-۰/۳۶	-۰/۴۰	۰/۰۰۰	-۷/۷۵۹	۰/۳۵۸-	۰/۷۵۵-	اعتماد اجتماعی
۱/۴۵۹	۰/۶۸۵	۰/۱۵	۰/۱۹	-۰/۰۴۳	۰/۴۳۲	۳/۹۰۴	۰/۱۷۲	۰/۴۷۰	احساس تعلق محله‌ای
۱/۴۱۹	۰/۷۰۵	-۰/۱۴	-۰/۱۹	-۰/۳۱	۰/۰۰۰	-۳/۸۱۸	۰/۱۶۶-	۰/۴۴۸-	کنترل اجتماعی غیر رسمی
۱/۲۸۸	۰/۷۷۷	۰/۱۳	۰/۱۷	۰/۳۰	۰/۰۰۳	۳/۴۳۰	۰/۱۵۶	۰/۲۳۰	بی‌نظمی اجتماعی تصویری
۱/۲۵۶	۰/۷۹۶	۰/۲۲	۰/۲۸	۰/۴۱	۰/۰۰۰	۵/۷۵۷	۰/۲۷۰	۰/۳۰۸	بی‌نظمی فیزیکی تصویری
۱/۰۱۴	۰/۹۸۶	-۰/۲۶	-۰/۳۲	-۰/۲۴	۰/۰۰۰	-۶/۹۱۹	۰/۲۷۰-	۵/۹۶۷-	جنسیت

نتایج جدول فوق بیانگر آن است که تمامی متغیرهای وارد شده به مدل به جز متغیر احساس تعلق محله‌ای معنادار هستند. برای تشخیص سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی ترس از جرم، ضرایب تأثیر استاندارد شده متغیرهای مستقل با یکدیگر مقایسه شده‌اند. نتیجه مقایسه نشان می‌دهد متغیر اعتماد اجتماعی (بتا: -۰/۳۵۸-) بیشترین سهم را در پیش‌بینی ترس از جرم دارد و پس از آن، متغیرهای بی‌نظمی فیزیکی تصویری (بتا = ۰/۲۷۰) و جنسیت (بتا = ۰/۲۷۰-)، کنترل غیر رسمی (بتا = -۰/۱۶۶-) و در نهایت، ادراک بی‌نظمی اجتماعی (بتا = ۰/۱۵۶) سهم معناداری دارند. از آن‌جا که متغیر جنسیت در این مدل به صورت ۰ (زن) و ۱ (مرد) وارد شده است، می‌توان با آن به مثابه یک متغیر کمی (مجازی) برخورد نمود و میزان ضرایب آن را در جدول رگرسیونی تفسیر کرد. بر این اساس می‌توان گفت که با تغییر میزان جنسیت از ۰ (زن) به ۱ (مرد) به میزان ۰/۲۷۰- (بتای جنسیت) در انحراف استاندارد میزان ترس از جرم کاهش اتفاق می‌افتد (با توجه به منفی بودن شدت). در جدول ۱۰، رابطه متغیر وابسته با متغیرهای مستقل تحقیق در سطح همبستگی مرتبه صفر، تفکیکی و نیمه تفکیکی نیز آمده است. در ستون آخر آماره هم‌خطی بیانگر آن است که بین متغیرهای مستقل این تحقیق هم خطی وجود ندارد. مقدار تولرانس به عدد یک نزدیک است و عامل تورم واریانس از ۲ بالاتر نشده

است؛ بنابراین متغیرهای مستقل این تحقیق همبستگی بالایی با یکدیگر ندارند و فرض هم‌خطی متغیرهای مستقل رد می‌گردد.

بحث و نتیجه

فرضیه اول مدعی است که ترس از جرم، تابعی مثبت از بی‌نظمی اجتماعی تصویری است. این فرضیه تأیید شده است هر چند به نسبت دیگر متغیر نظریه پنجره‌های شکسته، سهم کمتری در تبیین تغییرات متغیر وابسته دارد اما توانسته در کنار متغیر دیگر بیش از ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند. به طور کلی هر چقدر میزان بی‌نظمی اجتماعی تصویری توسط افراد بیشتر باشد، میزان ترس از جرم آنان نیز بیشتر خواهد بود. این که در خیابان‌ها و محلات مسکونی رفتارهایی مشاهده گردد که تداعی‌کننده بی‌نظمی و آنومی در ذهن ساکنان آن محله بشود، احساس ناامنی را در آن‌ها تشدید می‌کند و ساکنان آن منطقه خود را در این وضعیت تصور می‌کنند که هر لحظه امکان دارد مورد بزه واقع شوند. این وضعیت به افزایش ترس از جرم در بین آن‌ها منجر می‌گردد. ویلسون و کلینگ (۱۹۸۲) ادعان می‌کنند که احساس ناامنی تنها به دلیل جرائم خشونت‌آمیز نیست بلکه نابهنجاری‌ها و رفتارهای اخلاص‌گراانه چون اعتیاد، ولگردی و ... عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی هستند و به‌نوبه خود زمینه

یکدیگر همبسته هستند و در جایی که بی‌نظمی در سطح بالایی موجود است، افراد احساس امنیت ندارند و ترس از جرم بیشتری دارند (Kohm, 2009:11). بی‌نظمی به عوامل قابل مشاهده‌ای اشاره دارد که ساکنان، آن‌ها را به‌عنوان نشانه‌های شکسته شدن نظم اجتماعی و کنترل در محله خود احساس می‌نمایند. از طرف دیگر، بی‌نظمی محلی احساس ناتوانی و عجز را در افراد تقویت می‌نماید. افرادی که خود را در مجموعه‌ای از حوادث گرفتار می‌بینند دچار احساس عجز می‌گردند. به گفته ویلسون و کلینگ (۱۹۸۲) بی‌نظمی، توانایی محلات را برای دفاع از خود تحلیل می‌برد. برای ساکنان، بی‌نظمی و جرم ابتدا به عقب‌نشینی از اجتماع منتهی می‌گردد و به ایجاد نگرانی و ترس منجر می‌شود. جایی که بی‌نظمی فراوان است، هیچ‌کس مسئولیت رفتار خلاف قانون و انضباط در مکان‌های عمومی را نمی‌پذیرد و احساس قلمروگرایی در میان ساکنان کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، مجرمان به این مناطق هجوم می‌آورند و فرصت ارتکاب جرم پیدا می‌کنند و این به‌نوبه خود ترس از جرم را افزایش می‌دهد (Skagan, 1990:174). از آن‌جا که این متغیر همراه با متغیر بی‌نظمی تصویری اجتماعی هر دو با هم نظریه پنجره‌های شکسته را تشکیل می‌دهند، اکثر تحقیقات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور که رابطه ادراک بی‌نظمی را با ترس از جرم سنجیده‌اند، هر دو را با هم آزمون نموده‌اند. بنابراین پس از بررسی تحقیقات انجام‌شده، یافته‌های محققان داخلی و خارجی در فرضیه قبلی، در مورد نتایج این فرضیه نیز صدق می‌کند.

فرضیه شماره سه ترس از جرم را تابعی منفی از میزان کنترل اجتماعی می‌داند که با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون‌های همبستگی، این فرضیه تأیید و قابل‌تعمیم به جامعه آماری است. نتایج مدل رگرسیونی بیانگر آن است که با توجه به میزان بتای این متغیر در بین دیگر متغیرهای تشکیل‌دهنده نظریه اثربخشی جمعی، بیشترین تأثیر نسبی را بر تبیین متغیر وابسته (ترس از جرم) گذاشته است. نتایج آزمون همبستگی

رواج و گسترش جرائم را نیز فراهم می‌آورند (Gault, 2008:24). به‌زعم دیگر محققان، انباشت کوچکی از رفتارهای اخلاک‌گر به مستعد کردن محله برای شکل‌گیری جرائم جدی‌تر نظیر سرقت، ضرب و شتم و ... منجر می‌شود (Muniz, 2012:5) و آن‌ها را از وارد شدن در فضاهای عمومی و ... بازمی‌دارد که این خود بی‌نظمی رفتاری را تأیید و مشروع و آن را بازتولید می‌کند (Golub & et al., 2003:692). این یافته‌ها با نتایج تحقیقات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور (Swatt & et al., 2013; May & et al., 2010; Zhang & et al., 2009; McCrea & et al., 2005; MiCeli & et al., 2004) احمدی و همکاران، ۱۳۸۸؛ امیرکافی، ۱۳۸۸) که اثر بی‌نظمی اجتماعی تصویری را بر ترس از جرم سنجیده‌اند همسو و مؤید آن‌هاست.

فرضیه شماره دوم مدعی است که ترس از جرم، تابعی مثبت از بی‌نظمی فیزیکی تصویری است که با توجه به سطح معناداری آن، این فرضیه تأیید گردیده است. نتایج آزمون‌های همبستگی، همبستگی بیش از ۴۱ درصد را در بین این دو متغیر نشان می‌دهد و میزان بتای این متغیر در مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که بی‌نظمی فیزیکی تصویری از شدت تأثیر نسبی بیشتری نسبت به متغیر دیگر نظریه پنجره‌های شکسته (بی‌نظمی اجتماعی تصویری) برخوردار است. در نتیجه می‌توان گفت که با افزایش میزان بی‌نظمی فیزیکی تصویری افراد، میزان ترس از جرم آن‌ها نیز افزایش می‌یابد؛ به عبارت دیگر، هر چقدر در یک محله بی‌نظمی‌های محیطی بیشتر باشند، بر ترس از جرم ساکنان آن محله افزوده خواهد شد و در ذهن آنان، محله را توأم با بی‌نظمی و بی‌هنجاری تداعی خواهد نمود. بی‌نظمی‌های فیزیکی شامل نشانه‌های دیداری سهل‌انگاری، غفلت (شامل ساختمان‌های متروکه، پنجره‌های شکسته و چراغ‌های شکسته شده در خیابان و...) و پسرفت مناظر و چشم‌اندازهای شهری مانند دیوارنویسی و تلبارشیدن زباله در خیابان‌هاست (Skogan, 1990:173). اسکوگان بر این باور است که بی‌نظمی محلی و ترس از جرم به‌طور قوی با

(et al., 2009; Adams & Serpe, 2008; Tseloni & et al., 2008 همسو است.

فرضیه شماره چهار ترس از جرم را تابعی منفی از کنترل اجتماعی غیر رسمی می‌داند که با توجه به نتایج به دست آمده در آزمون‌های همبستگی و رگرسیونی، معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری است. نتایج آزمون همبستگی بیانگر آن است که بین متغیر ترس از جرم و کنترل اجتماعی غیر رسمی همبستگی معکوسی برقرار است. این بدین معنی است که با افزایش میزان کنترل غیر رسمی در جامعه مورد بررسی، میزان ترس از جرم ساکنان آن کاهش می‌یابد. کنترل اجتماعی غیر رسمی به این مهم که چه‌طور محله به صورت غیر رسمی توسط ساکنان آن اداره می‌شود، اشاره دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که معمولاً محله‌های با سطوح بالاتر کنترل غیر رسمی (به عنوان یکی از متغیرهای اثربخشی جمعی) سطوح پایین‌تری از خشونت را تجربه می‌کنند. در این مدل، کنترل غیر رسمی از طریق مداخله در مسائل توسط ساکنان محله به وجود می‌آید. این محله‌ها عناصری از سطوح مؤثر کنترل غیر رسمی را دارند که ساکنان آن می‌توانند بدون ترس از انتقام (اقدامات تلافی‌جویانه) به آن عمل کنند. وقتی که افراد ساکن در مناطقی که به لحاظ اجتماعی می‌توانند بی‌سازمان در نظر گرفته شوند این توانایی را گسترش می‌دهند، آن‌ها در اعمال جمعی حضور پیدا می‌کنند که در آن افراد برای منافع کل محل عمل می‌کنند و محله را از طریق اقدامات غیر رسمی کنترل می‌کنند. ویلسون (۱۹۹۶) ادعا می‌کند که بسیاری از ساکنان جوامع فقیر در شبکه‌های اجتماعی به‌هم‌پیوسته محکمی که به‌عنوان عوامل حمایتی علیه جرم و بی‌نظمی عمل می‌کردند قرار داشتند. این شبکه‌های اجتماعی نه تنها در ارتقای ارزش‌های اجتماعی مهم بودند بلکه مانع خشونت‌های جدی نیز می‌شدند. کنترل غیر رسمی همچنین سبب کاهش بی‌نظمی‌های فیزیکی و به‌خصوص رفتاری به کاهش ادراک بی‌نظمی در ساکنان این محلات منجر می‌شود و به‌تبع آن با توجه به همبستگی این ادراکات با ترس از جرم، میزان ترس

نشان‌دهنده همبستگی معکوس ۰.۴۰٪-، بین این متغیر و متغیر وابسته است؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که با افزایش اعتماد اجتماعی در بین ساکنان محلات از میزان ترس از جرم آن‌ها کاسته می‌شود. به‌زعم صاحبان نظریه اثربخشی جمعی، اعتماد اجتماعی، زمینه گسترش همبستگی را در بین همسایگان و اجتماع فراهم می‌کند. سمپسون (۱۹۹۱) اظهار می‌کند که ثبات مسکونی دارای بیشترین اثر مستقیم بر ظرفیت افراد در اجتماعی است که افراد همدیگر را می‌شناسند. این همچنین به فراتر از آن دسته از ساکنانی تعمیم می‌یابد که فقط همسایگان‌شان را می‌شناسند (یا با همسایگان‌شان آشنا هستند). تحقیقات به این نتیجه رسیده‌اند که ساکنان طولانی‌مدت نیز دوستانی در محله دارند و آن‌ها غالباً تنها در این روابط شخصی درگیر نمی‌شوند، بلکه از طریق شیوه‌های دیگر نیز در اجتماع مشارکت می‌کنند و این مشارکت به کاهش جرم منجر می‌گردد. محله‌هایی که پایداری کمتری دارند، فعالیت‌های مجرمانه را نیز افزایش می‌دهند و این به‌طور خاص با جرائم خشونت‌آمیز مرتبط شده است در بحث اعتماد اجتماعی، بحث مالکیت خانه و منفعتی که فرد مالک از امنیت محله می‌برد نیز مطرح می‌گردد؛ هنگامی که ساکنان جوامع احترام و اعتمادی برای همدیگر قائل نمی‌شوند، آن‌ها بیشتر رفتارهای مرتبط با جرم را تجربه خواهند کرد و به جای گسترش هنجارهایی که به نفع کل جامعه خواهد بود، تنها منافع فردی خود را حفظ خواهند کرد؛ بنابراین، اعتماد در بین همسایگان ضروری است چون در جوامع بی‌سازمان به عنوان یک متغیر واسطه‌ای در کنترل بی‌نظمی عمل می‌کند. در تحقیق حاضر، در بررسی میزان ترس از جرم در بین کسانی که منزل شخصی دارند و کسانی که در منزل اجاره‌ای (که به‌طور موقت ساکن آن هستند) زندگی می‌کنند، نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین ترس از جرم در بین کسانی که در منزل شخصی سکونت دارند به میزان قابل توجهی از کسانی که در منزل اجاره‌ای (موقت) زندگی می‌کنند پایین‌تر است. این یافته‌ها، با پژوهش‌های خارجی صورت گرفته (Zhang &

گرددیده‌اند. گزاره‌های اصلی تحقیق با توجه به نظریات استفاده شده و همچنین تجزیه و تحلیل آن‌ها عبارت‌اند از:
به موازات افزایش بی‌نظمی فیزیکی و اجتماعی تصویری توسط ساکنان محله، میزان ترس از جرم آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

بین اعتماد اجتماعی، تعلق محله‌ای و کنترل غیر رسمی با میزان ترس از جرم افراد رابطه معکوسی برقرار است. میزان ترس از جرم در میان دو جنس متفاوت است.

منابع

- امیرفخریان، م.؛ رهنما، م. و آقاجانی، ح. (۱۳۹۱). «اولویت‌بندی نیاز به خدمات بهداشتی درمانی محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد بر اساس سیستم پشتیبانی فضایی چند معیاره»، *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، سال دوم، ش ۶، ص ۱۷-۳۷.
- امیرکافی، م. (۱۳۸۸). «بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران)»، *تحقیقات علوم اجتماعی در ایران*، ش ۱، ص ۲۵-۳۹.
- بمانیان، م.؛ رفیعیان، م. و ضابطیان، ا. (۱۳۸۸). «سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری: مطالعه موردی: پارک شهر تهران»، *پژوهش زنان*، دوره هفتم، ش ۳، ص ۴۹-۶۷.
- بیات، ب. (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تأکید بر رسانه‌های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرائم)»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال اول، ش ۱، ص ۶۰۳-۶۲۶.
- دادخدایی، ل. (۱۳۸۸). «تعمیر پنجره‌های شکسته: دستاورد جنبش بازگشت به کیفر در آمریکا»، *نشریه قضاوت*، ش ۵، ص ۴۷-۵۱.
- ربانی، ر. و افشار کهن، ج. (۱۳۸۱). «حاشیه‌نشینی مشارکت و مسائل اجتماعی شهری»، *فرهنگ اصفهان*، ش ۲۳، ص ۸۱-۸۹.

از جرم کاهش می‌یابد. مایمون و براوینگ اذعان می‌نمایند که درک منابع اثربخشی جمعی (از جمله کنترل غیر رسمی) و نقش حمایتی آن، به‌ویژه در جوامع در معرض خطر (جوامع ناامن) مثل مناطق حاشیه‌نشین مهم است. جوامع ناامن، اثربخشی جمعی به‌طور یک‌جانبه از طریق بی‌نظمی محیطی و رفتاری به جرم ربط پیدا می‌کند و وقوع و تکرار بی‌نظمی‌های فیزیکی و اجتماعی را که اثر مضر بر وضعیت محیط محله دارند، نشان می‌دهند. بی‌نظمی‌هایی از قبیل محیط‌های فیزیکی بدون متصدی و وجود منظم گروه‌های یاغی و جوانان تفرقه‌انداز می‌تواند معایب محلات را افزایش دهد و به جرم منجر شود (Maimon & Browning, 2012). با افزایش کنترل غیر رسمی در محلات می‌توان از میزان بی‌نظمی و به‌خصوص بی‌نظمی تصویری اجتماعی کاست و ترس از جرم را کاهش داد. این نتیجه با یافته‌های فرگوسن و میندل (۲۰۰۷) همسو و مؤید آن‌هاست.

در مجموع نتایج این بررسی حاکی از آن است که نظریات پنجره‌های شکسته و اثربخشی جمعی توانسته‌اند بیش از ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی و تبیین نمایند. بر طبق نظریه پنجره‌های شکسته، زمانی که بی‌نظمی فیزیکی و اجتماعی تصویری در محله زیاد باشد، تصور ساکنان از محله، محله‌ای توأمان با بی‌نظمی است. به‌زعم اندیشمندان این نظریه، این بی‌نظمی توهینی به احساسات جمعی محله تلقی می‌شود و به ایجاد حس گسترده‌ای از بی‌نظمی منجر می‌گردد و به ساکنان حس ترس از جرم را القا می‌کند. از طرف دیگر، نظریه اثربخشی جمعی به تعاملات ساکنان اشاره دارد. بر اساس گزاره‌های این نظریه، هر چقدر در محله چسبندگی اجتماعی (که ترکیبی از میزان اعتماد اجتماعی و احساس تعلق محله‌ای است) و کنترل غیر رسمی بیشتر باشد، میزان بی‌نظمی مشاهده‌شده (به‌خصوص بی‌نظمی اجتماعی) و به‌تبع آن بی‌نظمی تصویری کمتر خواهد بود و میزان ترس از جرم کاهش پیدا خواهد نمود.

به‌طور کلی از پنج فرضیه اصلی تحقیق، چهار مورد تأیید

- Adams, Richard, E. Serpe, Richard, T. (2008) "Social Integration, Fear of crime, and Life Satisfaction Sociological Perspectives". *Sociological Perspectives*, 43: 605-629.
- Armstrong, T. & Katz, C. (2010) "Further Evidence on The Discriminant Validity of Perceptual Incivilities Measures". *Justice Quarterly*, 27(2):280-304.
- Baumer, E. Horney, J. Felson, R. Lauritsen, J. (2003) "Neighborhood Disadvantage and the Nature of Violence". *Criminology*, 41(1): 39-71.
- Cauldwell, C.J. (2012) *The Relationship Between Individual, Neighborhood and City Characteristics and Fear of Crime*. A dissertation for the degree of master of science, University of Missouri-Kansas.
- Chiricos, T. Eschholz, S. Gertz, M. (2012) "Crime, News and Fear of Crime: Toward an Identification of Audience Effect". *Social Problems*, 44(3):342-357.
- Cops, D. & Pleyseir, S. (2011) "The Impact of Gender Identity on Reported Levels of Fear of Crime in Adolescents and Young Adults". *Brit.j. Crimnol*, 51: 58° 74.
- Covington, J. Taylor, R. (1991) Fear of Crime in Urban Residential Neighborhoods: Implications of Between- and Within-Neighborhood Sources for Current Models", *The Sociological Quarterly*, 2: 231-249.
- Doob, A. (1995) *Fear of Crime in Canada: Talking the Pulse of Nation*. Ottawa: church council on justice and correction
- Ferguson, K. M. & Mindel, C. H. (2007) "Capital Theory Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods : A Test of Social Capital Theory". *Crime & Delinquency*, 53: 322-349.
- Ferraro, K.F. LaGrange, R. (1987) "The Measurement of Fear of Crime". *Sociological Inquiry*, 57: 70-101
- Ferraro, K.F. (1995) *Fear of Crime Interpreting Victimization Risk*. New York: Suny Press.
- Travis, W. Franklin, Courtney, A. Franklin, Noelle, E. Fearn, (2008) "A Multilevel Analysis of the Vulnerability, Disorder, and Social Integration Models of Fear of Crime". *Social Just Research*, 21: 204° 227.
- Garcia, A. Marie, Ralph, B. Taylor, and Brian, A. Lawton. (2007) "Impacts of Violent Crime and Neighborhood Structure on Trusting Your Neighbors", *Justice Quarterly*, 24: 679-704.
- Garofalo, J. (1981) "The Fear of Crime:Causes and Consequences", *The Journal of Criminal Law and Criminology*, 72(2): 839-857.
- Gault, M. Silver, E. (2008) "Spuriousness or Mediation? Broken Windows According to ربانی خوراسگانی، ر. و همتی، ر. (1387). «تیین جامعه‌شناختی ترس از جرم: مطالعه موردی شهروندان زنجان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ش ۳-۴، ص ۵۸-۸۸.
- زنجان‌زاده اعزازی، ه. (1380). «زنان و امنیت شهری»، *مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، دوره ۳۴، ش ۳-۴، ص ۶۰۳-۶۲۶.
- سراج‌زاده، ح. و گیلانی، ا. (1389). «بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم (مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران)»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دهم، ش ۳۴، ص ۲۲۳-۲۴۴.
- صادقی فسائی، س. و میرحسینی، ز. (1388). «تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۷، ص ۱۲۵-۱۵۲.
- عبداللهی، ا. و یوسفی مراغه، م. (1391). «ترس از جرم و واکنش در برابر آن»، *فصلنامه علمی-ترویجی کارآگاه*، ش ۲۰، ص ۱۵۲-۱۶۹.
- علیخواه، ف. و نجیبی، م. (1385). «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، ش ۲۲، ۱۰۹-۱۳۱.
- کلدی، ع. و رحمانی فیروزجاه، ع. (1386). «عوامل مؤثر بر ناهنجاری جوانان: مطالعه موردی مناطق حاشیه شهری ساری و بابل»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ش ۲۷، ص ۱۹۱-۲۱۲.
- لهسایی‌زاده، ع. (1391). «نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین»، *فصلنامه مطالعات شهری*، سال دوم، ش ۳، ص ۲۱-۶۴.
- هزارجریبی، ج. و صفری شالی، ر. (1388). «بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن»، *فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی*، سال اول، ش ۳، ص ۷-۲۹.

- Muniz, A. (2011) "Disorderly Community Partners and Broken Windows Policing", *Ethnography*, 0(00):1-22.
- Nicholson, D. F. (2010) *Disadvantaged Neighborhood and Fear of Crime: does Family Structure Matter?*, A Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, University of Oklahoma, Graduate College.
- Pain, R. Williams, S. Hudson, B. (2000) *Auditing Fear of Crime on North Alitative Approach In George Mair and Roger Tarling. The British Criminology Conference*, Selected Proceedings, 3.
- Park, Andrew J. (2008) *Modeling the Role of Fear of Crime In Pedestrian Navigation* A Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, Simon Fraser University.
- Rosenfeld, R. Messner, F. Baumer, P. (2001) "Social Capital and Homicide", *Social Forces*, 80: 283-309.
- Sacco, V. (2005) *When Crime Waves*. London: Sage Publication.
- Sampson, R.J. (2004) "Neighborhood and Community: Collective Efficacy and Community Safety", *New Economy*, 11: 106° 113.
- Sampson, R.J. Lauritsen, L. (1997) "Racial and Ethnic Disparities in Crime and Criminal Justice in the United States". *Crime and Justice*, 21: 311-374.
- Sampson, R.J. (1991) "Linking the Micro- and Macrolevel Dimensions of Community Social Organization", *Social Forces*, 70(1): 43-64.
- Sasson, T. (1995) *Crime Talk: How Citizens Construct a Problem*. New York: Aldine de Gruyter.
- Schafer, A. Huebner, J. Bynum, M. Timothy, S. (2006) "Fear of Crime and Criminal Victimization: Genderbased Contrasts", *Journal of Criminal Justice*, 34: 285° 301.
- Skogan, W.G. (1990) *Disorder and Decline: Crime and Spiral of Decay in American Neiborhoods*", NewYork: Free press.
- Skogan. W.G. Maxfield, M. (1981) *Coping With Crime: individual and neiborhood reactions*", London: SAGE.
- Smith, I. (2011) "Untangling the Relationship between Fear of Crime and Perceptions of", *British Journal of Criminology*, 51: 885° 899.
- Swatt, M. Varano, S. Uchida, C. Solomon, S. (2013) "Fear of Crime, Incivilities, and Collective Efficacy in four Miami", *Journal of Criminal Justice*, 41:1-11.
- Tseloni, A. Zarafonitou, C. (2008) "Competing Measurements Fear of Crime and Victimization: A Multivariate Multilevel Analysis of Competing Measurements", Sampson and Raudenbush", *Journal of Criminal Justice*, 36: 240° 243.
- Giacopassi, D. & Forde, D.R. (2000) "Broken Windows, Crumpled Fenders, and Crime", *Journal of Criminal Justice*, 28: 397 405.
- Golub, A. Johnson, B.D. Taylor, A. & Eterno, J. (2003) "Quality-of-life policing: Dooffenders get the Message?", *Policing*, 26:690 707.
- Jaehyung Park, A. (2008) *Modeling the Role of Fear of Crime in Pedestrian Navigation*, A dissertation for degree of Doctor of Philosophy, Simon Fraser University.
- Kasarda, J.D. and Janowitz, M. (1974) "Community Attachment in Mass Society", *American Sociological Review*, 39: 328-339.
- Kinsay, R. Lea, J. Young, J. (1986) *Losing the Fight against Crime*. Oxford,UK: Blackwell.
- Kohm, S.A. (2009) "Spatial Dimensions of Fear in a High-Crime Community: Fear of Crime or Fear of Disorder?", *Canadian Journal of Criminology and Criminal Justice*, 51: 1-30.
- Lederman, D. Loayza, N. Menendez, A. (2002) "Violent Crime: Does Social Capital Matter?", *Economic Development and Cultural Change*, 50(3): 509-539.
- Maimon, D. & Browning, C.R. (2012) "Unstructured Socializing, Collective Efficacy, and Violent Behavior Among Urban Youth". *Criminology*, 48: 443° 474.
- Matthews, R. (1992) *Replacing 'BrokenWindows': Crime, Incivilities and Urban Change*, edited by R. Matthews and Jock Young. London: Sage, p. 19-50.
- May, D.C. Rader, N.E. & Goodrum, S. (2010) "A Gendered Assessment of The Threat of Victimization: Examining Gender Differences in Fear of Crime, Perceived Risk, Avoidance, and Defensive Behaviors", *Criminal Justice Review*, 35:159-182.
- McCrea, R. Tung-Kai, S. John, W. and Stimson, J. R. (2005) "Fear of Crime in Brisbane; Individual, Social and Neighbourhood Factors in Perspective", *Journal of Sociology*, 41: 7-27.
- Messner, Steven, F. Baumer, E. Rosenfeld, R. (2004) "Dimensions of Social Capital and Rates of Homicide", *American Sociological Review*, 69(6): 882-903.
- Miceli, R. Roccato, M. Rosato, R. (2004). "Fear of Crime in Italy: Spreadand Determinants", *Environment and Behavior*, 36: 776.
- Morenoff, J. Sampson, R.J. Raudenbush, S. (2001) "Neighborhood Inequality, Collective Efficacy, and the Spatial Dynamics of Urban Violence", *Criminology*, 39: 517° 560.

- Yousef, A. (1994) "*Fear of Crime*", A dissertation for the degree of doctor of philosophy, Mississippi University.
- Zhang, L. Messner, S.F. Liu, J. Zhuo, Y.A. (2009) "Guanxi and Fear of Crime in Contemporary Urban China", *BRIT. J. CRIMINOL*, 49:472 ° 490.
- Zukin, S. (1995) *The Cultures of Cities*. Cambridge, MA : Wiley Blackwell Publiction.
- European Journal of Criminology*, 5: 387-409.
- Warr, M. (2000) "Fear of Crime in the United States: A Venues for Research and Policy", *Journal of Criminial Justice*, 4: 451-489.
- Wilson, J. Q. Kelling, G. L. (1982)"The Police and Neighborhood Safety: Broken Windows", *The Atlantic Monthly*, March: 29-38.
- Xie, M. McDowall, D. (2008) "The Effects of Residential Turnover on Household Victimization", *Criminology*, 46: 539-575.



پیوست‌ها

جدول ۷- جدول عملیاتی متغیر ترس از جرم

متغیر	ابعاد	گویه
عدم احساس امنیت ^۱		۱. تنها بودن در خانه در طول روز
		۲. تنها بودن در خانه در طول شب
		۳. بیرون رفتن از خانه در طول روز به‌تنهایی
		۴. تردد در خیابان در هنگام شب به‌تنهایی
		۵. خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز
		۶. حمل پول نقد
		۷. تردد با ماشین‌های مسافرکش شخصی در شب
		۸. پارک اتومبیل برای زمان طولانی در خیابان
		۹. ورزش کردن صبحگاهی در پارک به‌تنهایی
		۱۰. ورزش کردن در هنگام شب در پارک به‌تنهایی
ترس از جرم		۱. سرقت اموال و اشیا از منزل
		۲. کیف‌قاپی و جیب‌بری
		۳. کتک خوردن توسط افراد ناشناس
		۴. آدم‌ربایی
		۵. سرقت قطعات وسیله نقلیه شخصی (ماشین، موتور و ..)
		۶. سرقت وسیله نقلیه شخصی (ماشین، موتور و ...)

نگرانی از وقوع جرم و بزه دیدگی^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ Insecurity Feeling^۲ Fear of Victimization

جدول 8- جدول عملیاتی متغیر تصور بی‌نظمی

متغیر	ابعاد	گویه
تصور بی‌نظمی اجتماعی		1. استفاده یا خرید و فروش مواد مخدر
		2. مستی و عریده‌کشی در انظار عمومی
		3. افراد کارتن‌خواب
		4. متکدیان
		5. افراد ضایعات جمع‌کن
		6. همسایه‌های پر سروصدا
		7. جوانان علاف در خیابان و مزاحم
		8. رانندگی با سرعت بالا
		9. تک‌چرخ زدن موتورسیکلت‌ها
		10. فحشا
		11. برگزاری مراسم عروسی / عزاداری در منزل تا نیمه‌شب
		12. رانندگی با موسیقی بلند
تصور بی‌نظمی فیزیکی (محیطی)		1. خانه‌های نیمه ساخته و مخروبه
		2. پرت کردن زباله‌ها در پیاده‌روها و جوی‌ها
		3. دیوارنوشته‌ها (شامل تبلیغات و ...)
		4. آسیب رساندن به اموال عمومی
		5. سد معبر توسط دست‌فروش‌ها و یا دوره‌گردها
		6. تاریکی پیاده‌روها و معابر
		7. ماشین‌های اسقاطی رهاشده در خیابان
		8. رشد علف‌های هرز در خیابان و هرس نبودن درختان
		9. پارک دابل در خیابان‌ها
		10. سرازیر شدن فاضلاب منازل به خیابان‌ها
		11. وضعیت نامناسب آسفالت و وجود چاله در خیابان
		12. وجود نخاله‌های بنایی و مصالح ساختمانی در خیابان‌ها
		13. رعایت نکردن حریم جاده در ساختمان‌سازی
		14. وجود زمین‌های رهاشده

جدول ۹- جدول عملیاتی متغیر اثربخشی جمعی

متغیر	ابعاد	مؤلفه	گویه	
انسجام اجتماعی	اعتماد (روابط محله‌ای)		۱. همسایگانم را کاملاً می‌شناسم	
			۲. با همسایگان در مورد مسائل و مشکلات محل و... گفتگو می‌کنم	
			۳. به همسایگان اعتماد دارم	
			۴. اگر قرار است به مسافرت برویم، منزلمان را به آنها می‌سپاریم	
			۵. هریک از ما مراقب اموال و فرزندان دیگر همسایه‌ها نیز هستیم	
			۶. در مواقع ضروری به هم کمک می‌کنیم	
	احساس تعلق محله‌ای			۷. من خودم را عضوی از این محل می‌دانم
				۸. من محله را همچون خانواده خود می‌پندارم
				۹. من در فعالیت‌های مشترک محله (مانند برگزاری جشن و شرکت در هیئت‌ها) شرکت می‌کنم
				۱۰. من سعی می‌کنم محله‌امان را تمیز نگه‌دارم
				۱۱. من نسبت به آنچه در محله‌ام می‌گذرد، حساسیت نشان می‌دهم
کنترل غیر رسمی	---		۱. اگر بچه‌ها در محل مزاحم کسی شوند، چقدر احتمال دارد به آنها تذکر بدهید؟	
			۲. در صورت مشاهده افراد مشکوک در محله، چقدر احتمال می‌دهید که افراد محل به پلیس اطلاع دهند؟	
			۳. اگر بچه‌ها در خیابان به عوامل عمومی آسیب بزنند، چقدر احتمال دارد به آنها تذکر بدهید؟	
			۴. در صورت ریختن زباله در محله، چقدر احتمال دارد به آن شخص تذکر بدهید؟	

